

صبح‌های تهران با یک تصویر تکراری و تلخ، شروع می‌شود: صف‌های طولانی و چهره‌های خسته‌ای که چشم به انتهای خیابان دوخته‌اند تا شاید اتوبوسی از راه برسد. هر روز، همان انتظار همیشگی. انگار ز‌زمان در خیابان‌های پایتخت کندتر می‌گذرد. در مقابل، شهروندان بارها و بارها شنیده‌اند که «اتوبوس‌های جدید در راه است». اتوبوس‌های جدیدی که هنوز سفرهای درون شهری برای تهرانی‌ها را آسان نکرده‌است. در چنین شرایطی، سخنگوی دولت جمله‌ای گفت که به سرعت در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها دست‌به‌دست شد: «هر روز صبح که از خیابان ولیعصر (عج) رد می‌شوم و می‌بینم مردم در صف اتوبوس هستند، خجالت می‌کنشم.» حرف خانم سخنگو درست است، این وضعیت خجالت‌آور است، اما آنچه خجالت‌آور تر به نظر می‌رسد، تکرار سال‌ها بی‌توجهی به حمل‌ونقل عمومی در پایتخت است. واقعیت تلخی که ریشه‌اش نه تنها در یک دوره، بلکه در کم‌کاری دولت‌ها و مدیریت‌های شهری در ادوار مختلف، پنهان است. اینکه هر کسی که پر صندلی مسئولیت نشست، دیگری را مقصر دانست و در نهایت، دود این بی‌توجهی‌ها به چشم مردم رفت.

■ ■ ■

حالا همان داستان تکراری در قالب جدیدی بازگشته؛ پاسکاری انتقادی میان دولت و شهرداری تهران. یکی از تأسف و خجالت می‌گوید و دیگری مسئولیت‌های انجام نشده را یادآوری می‌کند و تذکر می‌دهد، اما نتیجه این اظهارنظرات، برای شهروندان یکی است: اتوبوس دیر می‌آید، صف‌هایمچنان طولانی هستند و رنج روزمره آنها ادامه دارد!

■ **ورود محموله جدید اتوبوس‌های برقی**

سفر اخیر علیرضا زاکانی، شهردار تهران به چین با مجموعه‌ای از قراردادهای تحویل‌های جدید در حوزه حمل‌ونقل عمومی همراه بود که شهرداری آن را گامی مهم در مسیر نوسازی و توسعه ناوگان شهری توصیف کرده‌است.

در جریان این سفر، بخش دیگری از اتوبوس‌های برقی چینی شرکت هایگه به تهران تحویل شد. از مجموع ۵۲۰۰ هزار۵۰۰ دستگاه اتوبوس برقی هایگه، تاکنون ۵۰۰ دستگاه به شهرداری تهران تحویل داده شده‌است. ۱۱۰ دستگاه از این اتوبوس‌ها در قالب یک مراسم رسمی با حضور مقامات چینی به ناوگان شهرداری افزوده شد. مهم‌اکنون ۳۹۰ دستگاه اتوبوس برقی در تهران فعال است و باورود این محموله، شمار کل اتوبوس‌های برقی فعال به ۵۰۰ دستگاه خواهد رسید. طبق برنامه، ۲ هزار دستگاه باقی‌مانده تا پایان سال تحویل می‌شوند. در بخش دیگری از سفر، قرارداد خرید ۷۵ دستگاه متروباس برقی ۲۶ متری منعقد شد. هر یک از این متروباس‌ها ظرفیت حدود ۳۰۰ نفر را دارند و طبق برنامه، تا اتمام تحویل تهران خواهند این متروباس‌ها در مسیر پایانه شرقی تا میدان

حکایت یک زخم قدیمی است که هر از چند گاه به بهانه‌ای سربزای می‌کند. حالا هم در آستانه روز پرستار یکبار دیگر موضوع کمبود پرستار در میان تیتسر رسانه‌های خبری برای خودش جای باز کرده‌است. این ماجرا اما یا سلامت مردم ارتباطی تنگاتنگ دارد و هر قدر هم که پزشکی باشد و هر چقدر هم که تخصص و امکانات بیمارستانی داشته باشیم، بدون نیروی انسانی کار آمد و بدون حضور پرستار نمی‌توان به بیماران خدمات شایسته‌ای ارائه کرد. واضح‌تر اینکه نبود پرستار یا استفاده از پرستاران در شیفت‌های کاری طولانی و اضافه‌کاری‌های اجباری می‌توان جان بیمار را به خطر بیندازد. به همین خاطر هم با وجود افتتاح تخت‌های بیمارستانی تازه در سال‌های اخیر، به دلیل نبود نیروی انسانی کافی به خصوص در حوزه پرستاری برخی بخش‌های در میان تعطیل می‌شوند و یا ادامه چنین روندی ممکن است در آینده‌ای نه چندان دور با تعطیلی بیمارستان‌ها هم مواجه شویم!

■ ■ ■

اگر شما هم گذارتان به بیمارستان افتاده‌باشد، کمبود پرستار را با گوشت و پوست و استخوان خود لمس کرده‌اید! اغلب اوقات در بیمارستان‌های دولتی یک‌بخش بیمارستانی با تعداد زیادی بیمار با دو تا چهار پرستار در هر شیفت کاری اداره می‌شود. در بیمارستان‌های خصوصی هم ممکن است شرایط بهتر باشد، اما ایده‌آل نیست این کمبودها را می‌تواند روند درمان را مختل کند و منجر به آسیب به بیمار شود، چراکه بهترین جراحی‌ها هم بدون مراقبت‌های بعد از عمل ممکن است به نتیجه دلخواه نرسد! حالا در آستانه میلاد با برکت حضرت زینب (س) و روز پرستار نجابتان، رئیس‌سازمان نظام پرستار از فرصت تریبون نماز جمعه استفاده کرد تا یک‌بار دیگر معضل کمبود پرستار و مطالبات پرستاران را به گوش مسئولان برساند.

گزارش «جوان» از حمل‌ونقل عمومی پایتخت که قربانی سال‌ها بی‌توجهی شده‌است

تهرانی‌ها هنوز در صف وعده اتوبوسی دولتی‌ها

در حالی که سخنگوی دولت از خجالت می‌گوید و شهرداری از پیشرفت، شهروندان هنوز در صف‌های طولانی، سهم خود را از حمل‌ونقل عمومی جست‌وجو می‌کنند



محمدرضا علیمددی|ایرنا

آزادی فعالیت خواهند کرد و بخشی از طرح توسعه خطوط سریع شهری به شمار می‌روند.

شهرداری تهران علاوه بر واردات، برنامه دارد تکنولوژی ساخت اتوبوس‌های برقی را به داخل کشور منتقل کند. در این راستا، قراردادی چهار جانبه میان شهرداری تهران، کارمانیا، کرمان‌موتور و هایگر امضا شده تا فرایند ساخت و مونتاژ اتوبوس‌ها در داخل کشور انجام شود. هدف این طرح کاهش وابستگی به واردات و تقویت

بخش خصوصی در صنعت حمل‌ونقل پاک است. در بازدید از کارخانه تولید واگن‌های مترو در چین، آخرین وضعیت قرارداد ۶۳۰ دستگاه واگن مترو بررسی شد. در حال حاضر دو رام نخست در مراحل نهایی مونتاژ هستند و رام اول تا پایان امسال وارد کشور خواهد شد. همچنین با الحاقیه جدید، تعداد واگن‌ها به هزار و ۷۱ دستگاه افزایش یافته که به گفته مسئولان، ظرفیت متروی پایتخت بیش از ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت.

در بخش پایانی سفر، خبر بارگیری ۵۰ دستگاه اتوبوس مترو کابین ۱۸ متری بی‌آر تی اعلام شد. این محموله بخشی از قرارداد ۴۰۰ دستگاه اتوبوس دو کابین است که در فاز نخست شامل ۲۰۰ دستگاه می‌شود. برنامه‌ریزی شده‌است که از اواخر پاییز، این اتوبوس‌ها وارد خطوط بی‌آر تی تهران شوند.

در مراسم تحویل ۱۱۰ دستگاه اتوبوس برقی، طرف چینی یک دروازه نمادین با رنگ پرچم ایران و تصاویر برج میلاد و آزادی طراحی کرد و آن را به شهردار تهران هدیه داد. اتوبوس‌های برقی وارد شده به تهران نیز با نشان کمپین «تهران دوست‌داشتنی» در خطوط شهری تردد خواهند کرد.

■ **خجالت صبحگاهی سخنگوی دولت**

اظهارنظر اخیر فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت درباره وضعیت حمل‌ونقل عمومی پایتخت، موجی از واکنش‌ها را در میان افکار عمومی و رسانه‌ها برانگیخت. او در نشست خبری روز سه‌شنبه، در پاسخ به پرسشی درباره برنامه‌های دولت برای نوسازی ناوگان حمل‌ونقل شهری، با لحنی صریح از آنچه در خیابان‌های تهران می‌بیند سخن گفت: «توجه به خودروهای فرسوده، واگن‌ها به هزار و ۷۱ دستگاه افزایش یافته که به گفته مسئولان، ظرفیت متروی پایتخت بیش از ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. در بخش پایانی سفر، خبر بارگیری ۵۰ دستگاه اتوبوس مترو کابین ۱۸ متری بی‌آر تی اعلام شد. این محموله بخشی از قرارداد ۴۰۰ دستگاه اتوبوس دو کابین است که در فاز نخست شامل ۲۰۰ دستگاه می‌شود. برنامه‌ریزی شده‌است که از اواخر پاییز، این اتوبوس‌ها وارد خطوط بی‌آر تی تهران شوند.

تخت‌های بدون پرستار معضل جدید بیمارستان‌ها

رئیس سازمان نظام پرستاری: در بیمارستان‌های کشور نصف استاندارد جهانی پرستار داریم

■ **نصف استاندارد پرستار داریم**

نجابتان در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران گفت: «در بیمارستان‌های کشور نصف استاندارد جهانی پرستار داریم. رئیس کل سازمان نظام پرستاری با تأکید بر اینکه اضافه‌کاری اجباری و کمبود نیرو، فشار کاری پرستاران را افزایش داده‌است، گفت: «کمبود شدید پرستار در کشور، به علت استخدام و نگهداشت ناکافی نیروها، به یکی از مشکلات اصلی نظام سلامت تبدیل شده‌است. در حال حاضر تعداد پرستاران در بیمارستان‌ها حدود نصف استاندارد جهانی است. پرستاران، که عمدتاً بانوان هستند، مجبور به اضافه‌کار اجباری می‌شوند.»

به گفته وی در حوزه معوقات و مطالبات نیز نگرانی‌هایی وجود دارد؛ هر چند دولت در حد توان خود برای پرداخت آنها تلاش کرده‌است. همچنین عدم عدالت در توزیع منابع و جایگاه‌های تصمیم‌گیری در نظام سلامت از جمله مشکلاتی است که جامعه پرستاری با آن مواجه است.

■ **تخت‌های بدون پرستار**

پیش از این نیز نجابتان درباره موضوع قدیمی «کمبود پرستار» گفته بود. «هنگامی که رئیس‌جمهور در دهه ۹۰، در مقام وزیر بهداشت خدمت‌رسانی می‌کرد، موضوع کمبود پرستار را به ایشان اعلام کردیم. به طور مثال، تصمیم بر این است که ۲ هزار تخت جدید بیمارستانی در استان تهران ایجاد کنیم و این در حالی است که این تخت‌ها طی چند سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد، اما پرستار مورد نیاز این موضوع پیش‌بینی نشده‌است. اگر چه سایر موارد مورد نیاز پیش‌بینی شده اما پرستار مورد نیاز پیش‌بینی نشده و این در حالی است که بیمارستان‌ها به پرستار نیاز دارند. متأسفانه تمام اقداماتی که در زمینه پرستاری صورت گرفته به صورت اقدامات «تک فصلی» است.»

تجابتان با بیان اینکه راهکار تک‌بعدی «استخدام



رئیس کل سازمان نظام پرستاری با تأکید بر اینکه افزایش ظرفیت رشته‌های پرستاری نمی‌تواند راهکاری برای حل کمبود پرستار باشد، توضیح داد: «پیش از اجرای طرح تحول نظام سلامت یعنی در سال ۹۴، ۶ هزار دانشجوی رشته پرستاری در هر سال جذب می‌شدند، اما این میزان به ۱۵ هزار نفر در حال حاضر رسیده‌است. اگر چه ظرفیت رشته پرستاری ۲/۵ برابر افزایش یافته اما باز هم با کمبود پرستار مواجه هستیم. افزایش ظرفیت رشته پرستاری در کنار سیاست‌های دیگر می‌تواند به حل کمبود پرستار کمک کند.»

وی ادامه داد: «بررسی تخت‌های بیمارستانی بیانگر این است که تعداد آن حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد از سال ۹۴ تا امروز در کنار افزایش ظرفیت رشته پرستار، افزایش یافته‌است.»

اما، لحنی کاملاً متفاوت و صریح داشت. لطف‌الله فروزنده، معاون هماهنگی و امور مناطق شهردار تهران، به صحبت‌های فاطمه مهاجرانی پاسخ داد و در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس با لحن انتقادی نوشت: «بر اساس تبصره ۱۲ قانون بودجه و به استناد اصل ۱۲۷ قانون اساسی، سهم دولت در تأمین اتوبوس‌ها ۸۲/۵ درصد است؛ سهمی که سال‌ها پرداخت نشده‌است. شهرداری تهران با وجود همه محدودیت‌ها، ۴ هزار اتوبوس برقی و غیربرقی خریداری کرده‌است. به جای ابراز تأسف، بهتر است به وظایف خود عمل کنید.»

این پاسخ، عملاً جلال دیرینه میان دولت و شهرداری بر سر سهم تأمین اتوبوس‌ها را دوباره به صدر خبرها بازگرداند؛ موضوعی که هر چند از نظر قانونی تکلیف مشخصی دارد، اما در عمل سال‌هاست بر زمین مانده و شهروندان تهرانی همچنان هزینه این اختلاف را با انتظارهای طولانی در ایستگاه‌ها می‌پردازند!

■ **صف‌های طولانی، وعده‌های درجا**

اخیراً رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران با اشاره به طرح جامع مصوب سال ۸۶، یادآور شد که طبق این برنامه قرار بود تا سال ۱۴۰۴ تعداد اتوبوس‌های پایتخت به ۱۱ هزار دستگاه برسد، اما امروز تنها ۲ هزار و ۲۰۰ دستگاه فعال داریم. او افزود: «اقداماتی در زمینه خرید و ورود ناوگان جدید انجام شده، اما هنوز پاسخگوی بحران نیست.»

واقعیت این است که حمل‌ونقل عمومی تهران سال‌هاست در تنگنای مزمن بودجه و بی‌برنامگی گرفتار شده‌است. از یک‌سو، دولت‌ها سهم خود از توسعه و نوسازی ناوگان را پرداخت نکرده‌اند و از سوی دیگر، شهرداری‌ها گاه با اولویت‌دادن به پروژه‌های نمایی، از حمل‌ونقل عمومی غافل مانده‌اند. امروز روایت اتوبوس‌های تهران بیش از هر زمان دیگری رنگ‌وبوی سیاسی پیدا کرده‌است، دولت از شهرداری انتقاد می‌کند، شهرداری از دولت طلبکار است و مردم در میان این جدال، همچنان در صف‌های طولانی منتظر اتوبوس‌هایی هستند که وعده‌شان زودتر از خودشان رسیده‌است.

در حالی که شهرداری از «تحول کم‌سابقه» در حمل‌ونقل سخن می‌گوید و دولت از «حساس‌شرد مردم» سخن می‌زند، هیچ‌یک از این عبارات جای خالی یک سیستم حمل‌ونقل کارآمد را پر نمی‌کند. اینکه شهروندان تهرانی می‌خواهند، نه شعار است و نه انتقاد می‌کند، شهرداری از دولت طلبکار است و مردم پاسکاری سیاسی، آنها فقط می‌خواهند صبح‌ها کمتر منتظر بمانند و شب‌ها راحت‌تر به خانه‌شان برسند. برای اینکه واقعاً تغییری رخ دهد، دولت و شهرداری باید به جای رقابت در کلمات، در عمل شریک شوند، اینکه بودجه‌ها در داخت شود، خطوط توسعه یابد و تصمیم‌گیران به جای دفتر‌های خود، در همان صف‌های طولانی خیابان ولیعصر عبور کنند. شاید آن‌وقت بتوان معنای واقعی «خجالت» را نه در رفتارها، بلکه در رفتارها مشاهده کرد.

پرستاری دارند، اما با وجود این حمایت‌ها، پرستاران هنوز با مشکلات روبه‌رو هستند که نیازمند توجه جدی دولت و مجلس است.»

■ **نقش پرستاران در مدیریت سالمندی جمعیت**

در حال حاضر بزنگاه اصلی ما در حوزه سلامت، سالمندی جمعیت است. ما در آینده‌ای نه‌چندان دور با پدیده سالمندی جمعیت مواجه خواهیم بود و همه ما در ارکان اجتماعی، اقتصادی و نظام سلامت باید خود را برای این موضوع مهم آماده کنیم. رئیس سازمان نظام پرستاری با یادآوری بیانات رهبر معظم انقلاب درباره نقش پرستاران در سلامت جامعه، گفت: «امروز جامعه ایران با مسائل جدیدی در حوزه سلامت مواجه است که پرستاران می‌توانند در آن نقش عمده‌ای ایفا کنند.»

به گفته وی سالمندشدن جمعیت، افزایش بیماری‌های مزمن و پرهزینه بودن بستری در بیمارستان‌ها، سبب شده‌است که در دنیا مراقبت از بیمارستان‌ها به سطح جامعه کشیده‌شود و موضوع «خودمراقبتی» در دستور کار جدی قرار گیرد. پرستاران با علم و دانش فراوان خود، می‌توانند در این زمینه به کشور کمک شایانی کنند. در حال حاضر در حوزه پرستاری حدود هزار و ۶۰۰ مرکز مراقبت در منزل در سراسر کشور مشغول ارائه خدمات هستند. سازمان نظام پرستاری نیز هزاران نفر از شهروندان را در زمینه مراقبت از سالمندان آموزش داده‌است. با این حال، باید به بیمه مراقبت‌های پرستاری در منزل توجه ویژه‌ای شود. نجابتیان با تأکید بر ضرورت توجه مسئولان به مشکلات جامعه پرستاری تصریح کرد: «اگر در کیفیت خدمات پرستاری جامعه‌کشی‌هایی مشاهده می‌شود، بی‌تردید بخشی از آن به دلیل کم‌توجهی ما مسئولان در فراهم‌کردن شرایط مناسب برای ارائه خدمات شایسته به جامعه‌است.»



ماگر سنه نیستیم آقای رئیس!

«ما روی طلا خوابیده‌ایم، ولی گرسنه‌هستیم»، «ما روی نفت و گاز نشسته‌ایم، اما گر سنی‌ایم». در روزهای اخیر، تکرار چندباره این جملات از زبان رئیس‌جمهور، واکنش‌های فراوانی در محافل کارشناسی و سیاسی برانگیخته است. سخنی که اگر چه شاید با نیت تلنگر و نقد ساختارهای ناکارآمد بیان شده‌باشد، اما در سطح گفت‌مان عمومی و رسانه‌ای، بار معنایی و پیامدهای سیاسی گسترده‌ای دارد. در عصر ما ملت‌ها با تصویر و روایت خویش در جهان کشورها می‌شوند؛ کشورها از ابزارهای گوناگون، از فیلم و سینما تا مستند و رمان و کنترل شبکه‌های اجتماعی و به خدمت گرفتن اینفلوئنسرها و سخنرانی در مجامع عمومی و رسانه‌ها بهره میگیرند تا چهرهای قدرتمند و پر ساخته از خود در جهان به نمایش بگذارند. در چنین عصری تأکید مستمر بر فقر و گر سنی، نه تنها پیام هشدارآمیز داخلی ندارد، بلکه تصویری متزلزل از توان و شان ملی به بیرون مخابره می‌کند. مرور شاخص‌های معتبر جهانی نظیر Global Hunger Index که توسط نهادهای مستقل بین‌المللی منتشر می‌شود، گواهی می‌دهند که ایران در ردیف کشورهای دارای سطح «پایین گر سنی» قرار دارد؛ با امتیازی کمتر از ۸۰ فاصله‌ای قابل توجه از کشورهای منطقه که با بحران تغذیه جدی مواجهند. در حالی که افغانستان، پاکستان و حتی مصر در طبقه «جدی» یا «متوسط» این شاخص جای گرفته‌اند، ایران به عنوان کشوری با زیرساخت‌های قابل اتکا، نیروی انسانی متخصص و ظرفیت‌های گسترده تولیدی، از نظر شاخص‌های تغذیه‌ای و سلامت عمومی در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارد. یعنی شیوع گر سنی و دغدغه بقادر ایران، به هیچ عنوان مطرح نیست. این بدان معناست که روایت رسمی کشور نباید بر محور «گر سنی» شکل بگیرد، بلکه بر محور «ظرفیت باغلق و بالقوه» است که می‌تواند اعتماد ملی و امید عمومی را تقویت کند و اگر استفاده از این الفاظ به صورت نامدین و کنایی و صرفاً برای اشاره به ضعف‌های درونی است، بهتر است مشاوران و دلسوزان آقای رئیس‌جمهور مشورت‌های لازم را در استخدام واژگان به ایشان عرضه کنند. در سیاست و ارتباطات، زبان یک رئیس‌جمهور صرفاً ابزار بیان نیست، بلکه سازنده ذهن جمعی و جهت‌دهنده افکار عمومی است. وقتی عالی‌ترین مقام اجرایی کشور در تریبون‌های رسمی بر فقر و ناتوانی تأکید می‌کند، در واقع چارچوبی ذهنی می‌سازد که مردم خود را در آینه ضعف می‌بینند، نه در آینه توانایی. این در حالی است که بخش قابل توجهی از دستاوردهای ملی در حوزه سلامت، آموزش، زیرساخت، امنیت غذایی و توسعه انسانی، شایسته برجسته‌سازی و روایت است. در جهانی که جنگ روایت‌ها، سنگر نخست قدرت‌هاست، تکرار گزاره‌هایی از این دست، به معنای واگذاری میدان روایت به دیگران است.

روایت قدرت و عزت، دغدغه این روزهای رهبر معظم انقلاب هم هست و ایشان به انجای گوناگون، تذکرات لازم را به مسئولان و رسانه‌ها متذکر شده‌اند: «مستثنای از مسئولان کشور که با مردم حرف می‌زنند، راوی قدرت و قوت و افتخارات کشور باشند - مثل این صحبتی که امروز از ایشان شنیدم - راوی ضعف‌ها نباشند. بلکه، با ضعف داریم، نقص داریم، کمبود داریم؛ کدام کشور ندارد؟ لکن قوت‌هایی داریم، توانایی‌هایی داریم، کارهایی شده، تلاش‌هایی شده؛ اینها را روایت کنیم و به مردم بگوییم. هم موضوعات در این زمینه مسئولند، هم مشاوره‌سیما مسئول است و بیش از همه خود مسئولان دولتی مسئولند که وقتی جلوی مردم پشت آن بلندگو قرار می‌گیرند، راوی ضعف و ناتوانی و ناامیدی و مانده اینها نباشند.»

ادبیات سیاسی اسلام، به‌ویژه در کلام حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، بر حفظ اقتدار کلامی و پرهیز از اظهار ضعف در برابر دشمنان تأکید دارد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در حکمتی پلینغ از حکمت‌های کتاب شریف نهج‌البلاغه هشدار می‌دهند که «نهی باطل عن شر» و هر کسی اظهار ضعف و ناتوانی کند، به ذلت خود راضی شده‌از برانمایش کارهای دشمن را به طمع می‌اندازد و جامعه را از درون می‌فرساید. در همین چارچوب، انتظار می‌رود رئیس‌جمهور به عنوان زبان رسای دولت و نماد اراده ملی، تریبون خود را به ترویج روحیه اقتدار، خودپرووری و آندینگی اختصاص دهد. بیان کاستی‌ها در جای خود ضروری است، اما تبدیل آن به شعار تکرار شونده، جز تخریب روان جمعی، نتیجه‌ای ندارد. بنابراین، نقدواقعی آن است که به جای تکرار واژه «گر سنی»، سیاست‌های نهج‌البلاغه هشدار می‌دهند که «نهی باطل عن شر» و هر کسی اظهار ضعف و ناتوانی کند، به ذلت خود راضی شده‌از برانمایش کارهای دشمن را به طمع می‌اندازد و جامعه را از درون می‌فرساید. در همین چارچوب، انتظار می‌رود رئیس‌جمهور به عنوان زبان رسای دولت و نماد اراده ملی، تریبون خود را به ترویج روحیه اقتدار، خودپرووری و آندینگی اختصاص دهد. بیان کاستی‌ها در جای خود ضروری است، اما تبدیل آن به شعار تکرار شونده، جز تخریب روان جمعی، نتیجه‌ای ندارد.

بنابراین، نقدواقعی آن است که به جای تکرار واژه «گر سنی»، سیاست‌های نهج‌البلاغه هشدار می‌دهند که «نهی باطل عن شر» و هر کسی اظهار ضعف و ناتوانی کند، به ذلت خود راضی شده‌از برانمایش کارهای دشمن را به طمع می‌اندازد و جامعه را از درون می‌فرساید. در همین چارچوب، انتظار می‌رود رئیس‌جمهور به عنوان زبان رسای دولت و نماد اراده ملی، تریبون خود را به ترویج روحیه اقتدار، خودپرووری و آندینگی اختصاص دهد. بیان کاستی‌ها در جای خود ضروری است، اما تبدیل آن به شعار تکرار شونده، جز تخریب روان جمعی، نتیجه‌ای ندارد.



علیرضا توانا

«سر باز امریه» **سر مایه ملی انسانی**

استفاده از سربازان تحصیل‌کرده که در قالب امریه دوره خدمت سربازی خود را در ادارات و سازمان‌های مختلف کشور می‌گذرانند، یکی از سیاست‌های مؤثر در جهت بهره‌گیری از سرمایه انسانی و پیشبرد اهداف توسعه ملی به شمار می‌آید. این رویکرد، ضمن آنکه از انشلاف نیروهای متخصص جلوگیری می‌کند، باعث پیوند میان دانش دانشگاهی و نیازهای اجرایی کشور می‌شود و نقش مهمی در توسعه منابع انسانی دارد. از منظر توسعه منابع انسانی، حضور نیروهای تحصیل‌کرده در سازمان‌ها سبب انتقال دانش، مهارت و ایده‌های نو از محیط‌های علمی به نهادهای اجرایی می‌شود. این روند موجب افزایش بهره‌وری، ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری و بهبود عملکرد دستگاه‌های مختلف می‌گردد. همچنین، دوران خدمت امریه برای خود افراد فرصتی ارزشمند جهت یادگیری مهارت‌های نرم تر مانند کار گروهی، مسئولیت‌پذیری، انضباط و آشنایی با ساختارهای واقعی سازمانی فراهم می‌کند؛ مهارت‌هایی که در شکل‌گیری نیروی انسانی توانمند و کارآمد برای آینده کشور نقش مهمی دارند. در سطح سازمانی، استفاده از نیروهای امریه تحصیلمکرده باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی می‌شود. ادارات دولتی و مراکز پژوهشی که از این نیروها بهره می‌گیرند، از توان علمی و فنی آنها در اجرای پروژه‌های تخصصی استفاده کرده‌و از این طریق به نوسازی فکری و دانشی خود کمک می‌کنند. ورود جوانان تحصیل‌کرده به بدنه اداری، موجب تزریق نگرش‌های تازه، روش‌های نوین و فناوری‌های جدید به ساختارهای سنتی می‌شود. افزون بر این، دوره امریه فرصتی برای شناسایی استعدادهای برتر و جذب آنها به عنوان نیروی رسمی در آینده فراهم می‌آورد که این امر پایداری دانش و تجربه را در دستگاه‌های دولتی تضمین می‌کند. از دیدگاه ملی، نظام امریه سبب جلوگیری از اتلاف سرمایه انسانی کشور می‌شود. در گذشته، بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ناچار بودند خدمت سربازی خود را در محیط‌هایی بگذرانند که هیچ ارتباطی با تخصص آنها نداشت، اما اکنون می‌توانند دانش خود را در جهت نیازهای کشور به کار گیرند. این امر ضمن تقویت ارتباط میان دانشگاه و دولت، به هم‌افزایی میان نهادهای علمی و اجرایی منجر می‌شود و بستر مناسبی برای شکل‌گیری شبکه‌های همکاری، انتقال فناوری و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان فراهم می‌آورد. با وجود مزایای فراوان، این نظام با چالش‌هایی همچون نبود تناسب میان رشته تحصیلی و محل خدمت، فقدان برنامه‌ریزی جامع برای بهره‌گیری مؤثر از توان علمی نیروها و انگیزه پایین برخی از افراد به دلیل موقت بودن موقعیت‌شان مواجه است. این سیستم، اگر با برنامه‌ریزی دقیق و نظارت مستمر همراه باشد، نه تنها یک ضرورت اجتماعی بلکه یک فرصت ملی برای تحول در نظام منابع انسانی و پیشرفت پایدار کشور خواهد بود.